



## موضوع انشا: اگر رییس انتظامات مدرسه بشوید چه کار می کنید؟

**شاگرد ردیف اول: ریاست لیاقت ردیف اولی هاست.**

با تشکر از آقای جباری که باز با درایت بی بدیلشان در این برهه از تاریخ این موضوع انشا را در نظر گرفته‌اند. همانطور که در روزهای قبل از انتخابات مشاهده کردیم، بزرگترین دعوا و مشکل مال همان "اگر رییس انتظامات مدرسه شویم" است. این که بعدش چه کار می کنیم زیاد مهم نیست. بالاخره یک کاری می کنیم دیگر.

من قول می دهم اگر رییس انتظامات مدرسه شوم به این صندلی ردیف اولم وفادار باشم و یادم باشد آن مرکب قدرت را از همین ردیف اول نیمکت‌ها شروع کردم. اولویت بعدی من زیاد کردن این صندلی‌های ردیف جلو است. برای پسر خاله مهدی که علاقه زیادی دارد به این جور جاها، چه توی کلاس ادبیات، چه کلاس ریاضی یا پرورشی یک جایی تعلق می دهم. پسرعمو رضا با اینکه همیشه ته می نشیند ولی برای او هم یک صندلی در نظر می گیرم تا هر وقت خواست یک سری به صندلی اش بزند.

در دستور کار من برای اداره، امور، زیاد کردن زنگ تفریح و حذف زنگ هنر از برنامه درسی است! ما مشکلاتی مهمتری از هنر داریم. مثلاً باید با بقیه رییس انتظامات‌ها جمع شویم دم در، یک گوشمالی اساسی به داوود بدهیم که یادش باشد سر امتحان حساب خوشخط‌تر بنویسد و به من بیشتر تقلب برساند...

به هر حال من به محض اینکه رییس انتظامات بشوم یک مدرسه خوب و خوش‌حال را اداره می کنم. به همه شما هم آرمیوه و کیک می دهم. پول توجیبی تان را هم بیشتر می کنم. به من رأی بدهید.

**رضا: من رییس انتظامات آرزو می شوم**

**به نام خدای نگهدار دلها**

من اگر رییس انتظامات باشم، پیگیری می کنم که مدرسه دخترانه را کنار همین مدرسه ما بسازند و کلاس آرزو دختر همسایه، درست روبروی پنجره مان باشد تا این روند همسایگی در مدرسه هم ادامه پیدا کند. زنگهای انشا را فقط به موضوع آرزو اختصاص می دادم، کلاسهای هنر را هم می گذاشتم آرزو بیاید و بجز من کسی از او نقاشی نکشد. زنگ‌های تفریح را به عنوان انتظامات بالای سر مدارس دخترانه می ایستادم و برای اینکه قدرت مردانه ام را به آرزو حالی کنم اجازه ورود و خروج صادر می کردم، آن موقع هر باری که به آرزو اجازه آب خوردن در زنگ تفریح را می دادم از من تشکر می کرد و برایش مرد آرزوهایش می شدم.

اگر رییس انتظامات شوم، شاید آن وقت به خاطر موقعیتم پدر آرزو هر وقت بالای دیوارشان هستم، مرا کتک نمی زد، چون آن وقت بلافاصله نشان مخصوص رییس انتظاماتی ام را نشان می دادم و مشخص می شد که بالای دیوار دارم انتظامات خانه شان

را می کنم. با رییس انتظامات شدن من به نصف یا تمام آرزویم می رسم، پس لطفاً به من رای دهید.

**رییس انتظامات سابق: در قالب تجربه!**

**به نام خداوند روزی رسان، خداوند دکه مدرسه، خداوند آن** با توجه به سابقه ای که در ریاست دارم بر خودم واجب دانستم تا بار دیگر به این عرصه بیایم. من در طی این کار تجربه‌های زیادی کسب کرده ام و می دانم که باید به فکر نظم و ترتیب دادن به مدرسه باشم. سرود صبحگاهی کاغذ پاره ای بیشتر نیست و تأثیری در انتظامات ندارد.

من علاوه بر اینکه پول توجیبی بچه‌ها را بیشتر کرده ام بلکه باعث شدم بچه‌ها در درس ریاضی شان قوی شوند و بدانند در زنگ تفریح اگر سه نفر به چهار نفر حمله کنند هفت نفر هستند که مثل یک روح در چهار بدنند.

من برای این مدرسه اعتبارات زیادی به بار آوردم و به بچه‌ها آموزش داده ام چطور از کلاس دوم ب گچ به سمت کلاس پنجم ج پرتاب کنند. در حالی که قبلاً برد این گچ تا بیشتر از کلاس سوم د نمی رفت.

من به تمام شبهاتی که هست پاسخ می دهم و اصلاً هم به من ربطی ندارد که دکه توی حیاط چرا دیگر وجود ندارد!

**شاگرد ردیف آخر: برای اطرافیانم**

برنامه‌های بچه‌ها برای ریاست خیلی خوب بود و دیدم که چقدر این رییس شدن برایشان خوب است. با این توصیفات من باید بیشتر در سایه آنها به مدرسه کمک کنم، ولی برای اینکه برای بعضی افراد احساس خطر می کنم به این عرصه قدم می گذارم. من اگر رییس انتظامات شوم اولین کاری که می کنم به همه شاگردهای ردیف آخر اجازه می دهم که دیر کنند و بجای اینکه والدین این شاگردها را هی دعوت کنم به مدرسه، به آنها سر میزنم و در مشکلاتشان کمکشان می کنم. البته آقای حسینی هم یک بار با اینکه رییس جایی نبود به خانه ما سر زد ولی خوبی اش این بود که چند تا عکس گرفت و از آن به بعد رییس یک جایی شد و دیگر سرش شلوغ شد و کلاً ندیدیمش دیگر.

یکی از کارهای دیگری که هنگام رییس انتظامات شدن انجام خواهیم داد، این است که حقوق علی آقا، سرایدار مدرسه را افزایش خواهیم داد و به همه بچه‌ها یاد می دهم که به علی آقا کمک کنند. با احترامی که به آقای جباری دارم، ولی وقتی رییس انتظامات شوم پیگیری می کنم تا برای درس ریاضی آقای محسنی را سر کلاس بیاورند چون ایشان خیلی بهتر یاد می دهند. برای کلاس تاریخ هم به آقای جباری توصیه می کنم که کتاب‌های بیشتری را مطالعه کند، بله آقای جباری؟ انشایم تمام نشده... آقای جباری؟ ...

### چند سخن از بزرگان

هر جا که بشر را دوست بدارند، فرهنگ را هم دوست خواهند داشت.

**سقراط**

هیچگاه در زندگی نمی توانید محبتی بهتر، بی پیرایه تر و واقعی تر از محبت مادر خود بیابید.

**انوره دو بالزاک**

هنگام نیاز، دوستان واقعی شناخته می شوند.

**ضرب المثل رومانی**

همانطور که عشق‌های حقیقی کمیاب است دوستی‌های حقیقی نیز کمیاب است.

**فرانسوا لارشفوکو**

هدف نهایی مبارزه ما، دوستی با تمام مردم دنیا است.

**مهاتما گاندی**